

نقش سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زنان

طیبه السادات صالحی^۱

حسین رضائیان بیلندی^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زنان متأهل انجام شده است. طرح پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. به این منظور، ۲۸۸ نفر از جامعه زنان متأهل طایفه حوزه علمیه قم در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های سبک‌های فرزندپروری یانگ (YPI)، سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (AAS) و صمیمیت زناشویی اولیاء پاسخ دادند. در تحلیل داده‌ها، از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده خودگردانی و عملکرد مختل، گوش به زنگی و بازداري و سبک دلبستگی ایمن با صمیمیت زناشویی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین سبک‌های فرزندپروری بریدگی و طرد، محدودیت‌های مختل و سبک دلبستگی اضطرابی با صمیمیت زناشویی، رابطه منفی و معنادار برقرار است. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام بیانگر آن است که سبک فرزندپروری ادراک شده محدودیت‌های مختل، گوش به زنگی و بازداري و نیز سبک دلبستگی اضطرابی در مجموع ۳۱ درصد از واریانس صمیمیت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. این یافته‌ها به خوبی نقش مهم سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی را نشان می‌دهد و می‌تواند اطلاعات مناسبی را به مشاوران و روان‌شناسان خانواده ارائه کند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، سبک‌های دلبستگی، دلبستگی ناایمن، دلبستگی ایمن، صمیمیت زناشویی

۱. دانش پژوه سطح سه گرایش تعلیم و تربیت اسلامی جامعه الزهراء (ع) ts.salehi389@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول) h.rezaeiyan60@gmail.com

«این مقاله در پژوهشگاه جامعه الزهراء (ع) و دوره کارگاهی روش تحقیق میدانی انجام شده است».

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

مقدمه

صاحب نظران و خانواده درمانگران پیوند صمیمانه میان همسران را به منظور ایجاد هویت خانوادگی مهم و ضروری می‌دانند و از صمیمیت به عنوان کلید داشتن ازدواجی موفق، منبع مهم شادی، احساس معنا و رضایت زناشویی یاد می‌کنند (پیلج و همکاران،^۱ ۲۰۰۵، ص ۴۵۵). بر اساس منابع دینی نیز مهم‌ترین منبع تأمین نیاز به صمیمیت، موّدت بین همسران است؛ نیازی که هیچ رابطه‌ای جای آن را پر نمی‌کند. همچنان که خداوند متعال در قرآن کریم، هدف و فلسفه ازدواج را آرامش، موّدت و مهربانی می‌داند و از آفرینش همسر به عنوان آیات الهی یاد می‌کند (روم، ۲۱).

توجه به رابطه صمیمانه، به عنوان جنبه مهمی از زندگی زناشویی، تاریخی طولانی دارد؛ اما مطالعه علمی درباره آن از دهه ۱۹۹۰ آغاز شده است. با مطرح شدن موضوعی مانند روابط بین فردی در روان‌شناسی خانواده و مهم قلمداد کردن آن در روابط صمیمی بین زن و شوهر، این نوع رابطه جایگاه و معنایی خاص یافته است. امروزه مشکلات مربوط به صمیمیت در روابط زوجین و کمک به بهبود و افزایش صمیمیت آنان، از جمله مسائلی است که مشاوران خانواده با آن رو به رو هستند. صاحب نظران معتقدند افزایش صمیمیت، موجب کاهش قابل توجه نابسامانی‌های خانوادگی و اجتماعی می‌شود و نقش اساسی در رضایت زناشویی ایفا می‌کند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲).

از نظر برخی از محققان، صمیمیت فرایندی تعاملی است که محور آن، شناخت، فهم، پذیرش، رد مقابل، همدلی با احساسات فرد دیگر و قدردانی از دیدگاه بی‌همتای وی نسبت به جهان است (کردوا و وارن،^۲ ۲۰۰۵، ص ۲۱۸). صمیمیت با ایجاد بعد خاص و مثبت در زندگی زناشویی و تأمین بهداشت روانی اعضای خانواده، عاملی محافظت‌کننده و نیرومند در برابر مشکلات فردی و اجتماعی است (لورنسو و همکاران،^۳ ۲۰۰۵، ص ۳۱۴). هات فیلد^۴ (۱۹۸۸) صمیمیت را فرایندی می‌داند که در آن افراد تلاش می‌کنند تا به یکدیگر نزدیک شوند و شباهت‌ها و تفاوت‌های یکدیگر را در احساسات و افکار کشف کنند. باگاروزی^۵ (۲۰۰۱، ص ۲۵) نیز صمیمیت را نیازی اساسی می‌داند و آن را نزدیکی، تشابه

1. Pielage & et al

2. Cordova & Warren

3. Laurenceau & et al

4. Hotfild

5. Bagarozzi

و روابط شخصی عاشقانه اغلب هیجانی با شخص دیگر تعریف می‌کند که مستلزم شناخت و درک عمیق از فرد دیگر، پذیرش و بیان افکار و احساسات است و آن را نشانه‌ای از آستانه عشق می‌داند. در نهایت، مفهوم پردازی رایج از صمیمیت، به معنای سطح نزدیکی به همسر، به اشتراک‌گذاری ارزش‌ها و ایده‌ها، فعالیت‌های مشترک، رابطه جنسی، شناخت از یکدیگر و رفتارهای عاطفی، مانند نوازش کردن است (مدنی و مرادی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۳).

صمیمیت زناشویی به عنوان منبع نظام خانواده یا حتی بخشی از نیروهای احیای خانواده است و زوجین بیش از گذشته نیازمند ارضای نیازهای عاطفی-روانی خویش به ویژه نیاز به صمیمیت هستند. صمیمیت می‌تواند سبب ارتقای خانواده و بهبود عملکرد آن در زمینه نقش‌ها، حل مسئله و ابراز عواطف شود (کردوا و همکاران، ۲۰۰۵، ص ۲۱۹). فردی که میزان صمیمیت فراوانی را در روابط تجربه می‌کند، می‌تواند خود را به شیوه مطلوب‌تری در روابط عرضه کرده، نیازهای خود را به شکل مؤثرتری به همسر خود ابراز کند (پاتریک و همکاران، ۲۰۰۷، ص ۳۶۰). بنابراین، صمیمیت مداوم یکی از پیش‌نیازهای مهم خلق یک ازدواج ماندگار است. از این رو، زمانی که صمیمیت رو به زوال می‌رود، شوق و توانایی حل مسائل، غلبه بر موانع و پافشاری برای مقابله با ترس‌ها و تردیدها به سرعت دچار فرسایش می‌شود. همچنین زمانی که زوج‌ها به خلق بازآفرینی و استمرار صمیمیت می‌پردازند، مسائل مهمی مانند تعهد، همکاری، وفاداری و مدیریت خلاقانه بر تفاوت‌های فردی نیز به سرعت در میانشان ساماندهی می‌گردد (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۵۳).

با توجه به اهمیت و نقش پایدار صمیمیت زناشویی، پژوهش‌های مختلف، متغیرهای مرتبط و پیش‌بین صمیمیت زناشویی را بررسی کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به تعیین رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷)؛ تعیین عوامل پیش‌بینی کننده صمیمیت زناشویی زنان شهر اصفهان (جابری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۵)؛ بررسی رابطه مهارت‌های ارتباطی با صمیمیت زناشویی (جابری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۴۳)؛ بررسی صمیمیت زناشویی در دوران میانسالی، نقش ویژگی‌های شخصیتی زوجین (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۲۷)؛ پیش‌بینی صمیمیت زوجین از طریق الگوهای تربیت خانوادگی (پولادی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۱۱)؛ تبیین صمیمیت زناشویی براساس سبک‌های مقابله‌ای و سرسختی روان‌شناختی در

زنان مبتلا به طلاق عاطفی (طیارپور و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱)؛ نقش سرمایه اجتماعی و روان شناختی در پیش بینی صمیمیت زناشویی زوجین (اکبری گوابری و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۹۵) و بررسی ارتباط سرمایه های روان شناختی با صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل و نقش واسطه ای بهزیستی اجتماعی (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۳۵۸) اشاره کرد.

در این میان، به نظر می رسد که یکی از عوامل موثر بر صمیمیت زناشویی، شیوه های فرزندپروری^۱ ادراک شده زوجین در خانواده اصلی خود باشد. سبک های فرزندپروری بر اساس تجارب اولیه فرد و دلبستگی با والدین و نوع رابطه عاطفی وی با والدین و همسالان شکل می گیرد و یکی از عوامل مهم ارزیابی مؤلفه های والد فرزند محسوب می شود (صالحی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۱۹۰). هر خانواده ای شیوه های خاصی در کنترل و اجتماعی کردن فرزندان دارد که متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره است (بامریند، ۱۹۹۱^۲؛ هاردی و همکاران، ۱۹۹۳^۳، ص ۲۰). بر این اساس، بامریند (۱۹۷۱) سه سبک فرزندپروری را مطرح کرد که شامل مقتدرانه، سهل گیرانه و مستبدانه می شود. در ادامه، مک کوبی و مارتین^۴ (۱۹۸۳، ص ۹۹) شیوه مسامحه کارانه یا بی اعتنا را نیز به سه سبک قبلی افزودند. سبک های فرزندپروری شامل دو مؤلفه اساسی است: ۱. پاسخ دهی که به میزان تلاش والدین برای رشد ابراز وجود و استقلال در کودکان، حمایت و اطمینان بخشی به کودکان و توجه به نیازهای آنان اشاره دارد. ۲. کنترل رفتاری که به تلاش والدین برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان در خانواده از طریق داشتن تقاضاهای متناسب با توانایی های فرزندان، نظارت بر آنان و وضع مقررات اشاره دارد (بامریند، ۱۹۹۱، ص ۶۵).

پس از بامریند، جفری یانگ^۵ (۱۹۹۹) نیز شیوه های متعدد فرزندپروری ادراک شده بزرگسالان را بررسی و معرفی کرده است که عبارتند از: فرزندپروری محدودکننده عاطفی، والدین بیش از حد مراقبت کننده، والدین تحقیرکننده، والدین کمال گرا، والدین بدبین و ترسو، والدین کنترل گر، والدین از لحاظ عاطفی مهارکننده، والدین تنبیه کننده و فرزندپروری مشروط توأم با خودشیفتگی.

1. Parenting Styles

2. Baumrind

3. Hardy & et al

4. Maccoby & Martin

5. Young

بر اساس نظر یانگ، اغلب تجارب زیان بخش^۱ دوران کودکی در تعامل با والدین و در قالب پنج حوزه شکل می‌گیرد و روند آسیب‌های روان‌شناختی آینده را تسریع می‌بخشد. اولین دسته از تجارب اولیه زندگی، «ناکامی ناگوار نیازها»^۲ است. وقتی این حالت اتفاق می‌افتد که در محیط زندگی کودک، ثبات، درک شدن یا عشق وجود نداشته باشد. خانواده‌ها در این شیوه بی‌عاطفه، سرد، منزوی، تندخو، غیر قابل پیش‌بینی و بد رفتار هستند. یانگ چنین شرایطی را در قالب حوزه بریدگی و طرد معرفی کرده است. نوع دوم تجربه در حمایت افراطی یا تفریطی والدین از کودک است. خانواده در چنین شرایطی اعتماد به نفس کودک را کاهش می‌دهد و موجب بروز مشکلاتی در حوزه خودگردانی می‌شود. در نوع سوم، مشکل این است که کودک، بیش از اندازه چیزهای خوب را تجربه می‌کند. والدین برای رفاه و آسایش کودک بسیار تلاش می‌کنند و به دلیل این گونه تجارب، محدودیت‌های درونی کودک در خصوص احترام متقابل و خویشتن‌داری به اندازه کافی رشد نمی‌کند. نوع چهارم تجربه‌های اولیه زندگی که باعث شکل‌گیری حوزه دیگر جهت‌مندی می‌شود، در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که والدین کودک خود را با قید و شرط پذیرفته‌اند و این سبب تمرکز افراطی فرزندان بر احساسات و پاسخ‌های دیگران می‌شود. در نهایت، برخی از کودکان نیز در کودکی به تفریح و شادی کردن تشویق نشده‌اند و به دلیل عصبانیت و تنبیه والدین خود، در عوض یاد گرفته‌اند که در حوادث منفی زندگی گوش به زنگ بوده و بازدارنده باشند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳، ص ۱۱۴). در حمایت از رابطه سبک‌های فرزندپروری ادراک شده زوجین از خانواده اصلی خود و صمیمیت زناشویی مطالعات مختلفی انجام شده است. مطالعه طولی کانگر و همکارانش^۳ (۲۰۰۰، ص ۲۲۴) نشان داده است که سبک فرزندپروری مناسب در اوایل کودکی با رفتارهای عاشقانه گرم، حمایت‌گرانه و با سطح خصومت پایین در بزرگسالی در ارتباط است. کاتوویتز (۲۰۰۷) نشان داد که پیوند مادرانه و پدرانه به صورت مستقیم و غیر مستقیم با کیفیت روابط صمیمی در بزرگسالی در ارتباط است. پژوهش حسینی و همکارانش (۱۳۹۳، ص ۶۷) نیز بیانگر تأثیر مستقیم و غیر مستقیم سلامت خانواده اصلی بر صمیمیت زناشویی همسران است. همچنین شواهد بالینی و متون تجربی به تأثیر بلندمدت تروماهای بین فردی دوران کودکی بر روابط زوجین تأکید دارد و نشان می‌دهد

1. Noxious

2. Toxic frustration needs

3. Conger & et al

که تجربه اولیه خشونت و بدرفتاری، تأثیر خاصی بر توانایی بعدی در ادامه روابط رضایت بخش و صمیمی دارد (امیری مجد و کاکاوند، ۱۳۹۷، ص ۳۱). این یافته‌ها بیانگر آن است که کیفیت روابط صمیمانه در بزرگسالی با نوع شیوه ادراک شده از فرزندپروری والدین، ارتباط دارد.

بر اساس نظریه دلبستگی به عنوان یکی از تأثیرگذارترین دیدگاه‌های نظری در زمینه مطالعه روابط نزدیک، یکی دیگر از عوامل فردی که می‌تواند بر همسازی زناشویی و صمیمیت زوجین مؤثر باشد، سبک‌های دلبستگی است (حسینی حسین آباد و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۶). بالبی^۱ بر این باور بود دلبستگی، نظامی رفتاری است که برای آورده‌سازی ضرورت‌های زیست‌شناختی بقای فرد عمل می‌کند و از این نظر، همسان با نیاز اساسی به غذا و آب است (اینزورث،^۲ ۱۹۸۹، ص ۷۱۱). بالبی در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که سبک دلبستگی فرد در یک رابطه خواه ایمن یا نایمن قویاً متأثر از برخورد یکی از والدین، عموماً مادر یا هر فرد مراقب دیگر است و این اثر به دوره نوزادی منحصر نیست؛ بلکه سراسر مراحل حیاتی را شامل می‌شود.

در این راستا، هازان و شیور^۳ (۱۹۸۷، ص ۵۱) نظریه دلبستگی بزرگسال را بر اساس اصول نظریه دلبستگی بالبی تدوین کردند تا نشان دهند که چگونه روابط دلبستگی کودک و مادر سبب تفاوت‌هایی در ابعاد روان‌شناختی و اجتماعی افراد از روابط عاشقانه بزرگسالی می‌شود و نوع انتظارات آنان را در این رابطه شکل می‌دهد (عارفی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۸). نظریه دلبستگی پیشنهاد می‌کند که ماهیت و کیفیت روابط صمیمی فرد در بزرگسالی با رویدادهای عاطفی دوران کودکی به ویژه ارتباط کودک - مراقب بسیار تحت تأثیر قرار می‌گیرد (کولنیز و رید،^۴ ۱۹۹۰، ص ۶۴۶). هینن، ساندرومن و اسپراگر (۲۰۰۹، ص ۱۰) نیز از این ایده حمایت کردند که روابط و تجارب اولیه به شکل دلبستگی بر تجارب بعدی زندگی اثر دارد. آن‌ها دریافتند که خاطرات دوران کودکی ۹۰ درصد از زنان با سبک دلبستگی آنان در بزرگسالی همبستگی دارد که می‌تواند رضایت از زندگی را پیش‌بینی کند. بنابراین، ویژگی‌های بهنجار و نابهنجار روابط بین فردی و صمیمیت در روابط، با گونه‌های عمیق و سبک دلبستگی اشخاص ارتباط دارد. مشاهده زندگی زناشویی افراد در سطح جامعه و مطالعه پژوهش‌های موجود

1. Bowlby

2. Ainsworth

3. Hazan, & Shaver

4. Collins & Read

در این زمینه نشان می‌دهد روابط گرم بین فردی، که ناشی از یک دلبستگی عاشقانه، پرشور و عاطفی است، در رابطه زناشویی باثبات اهمیت زیادی دارد (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۴۷). در این باره، نتایج مطالعه کولینز و رید (۱۹۹۰، ص ۶۴۴) نیز بیانگر آن است که بزرگسالان با سبک دلبستگی ایمن، با صمیمیت و وابستگی عاطفی احساس راحتی می‌کنند، به پاسخ‌های دیگران اطمینان دارند و دیدگاهشان درباره دوست داشتن، مثبت و واقعی است. برترتن و مان هلند^۱ (۱۹۹۹، ص ۸۹) نیز در تحقیقی دریافتند که سبک دلبستگی ایمن بر صمیمیت زوجین تأثیر مستقیم دارد و زوجین دارای سبک دلبستگی ایمن نسبت به رابطه، تعهد بیشتری دارند. هازن و شیور^۲ (۱۹۸۷، ص ۵۱) که روابط صمیمی بزرگسال را در امتداد سه سبک اصلی دلبستگی، یعنی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا / اضطرابی طبقه‌بندی کردند، تفاوت‌های این سه سبک را در روابط صمیمی این‌گونه نشان دادند که بزرگسالان دارای سبک دلبستگی ایمن، روابط صمیمی خود را شاد، دوستانه، قابل اعتماد و برخوردار از احساس همدلی، حمایت و پذیرش توصیف کرده‌اند و ویژگی برجسته‌ی بزرگسالان دارای سبک دلبستگی اجتنابی، ترس از صمیمیت و نگرانی از روابط دوستانه بود. در حالی که دوسوگراها با دل مشغولی و سواسی نسبت به صمیمیت و تلاش برای «یکی شدن» با دیگری مشخص شدند. جانسون و ویفن^۲ (۲۰۰۳) نیز معتقدند مسئله اساسی در زوج‌های آشفته دلبستگی ناایمن است و نحوه ایجاد این ناامنی و تداوم آن و تغییر سبک دلبستگی زوجین را تبیین می‌کند. سایر پژوهش‌ها نیز در تأیید نتایج قبلی بیان می‌کنند که افراد دارای سبک‌های دلبستگی اجتنابی و دوسوگرا بیشتر از افراد دارای سبک دلبستگی ایمن در روابط دوستانه و رمانتیک دچار ترس از صمیمیت می‌شوند (بشارت، ۱۳۹۱، ص ۴). در این باره، عالیپور بیرگانی و همکارانش (۱۳۹۵، ص ۷۳) به بررسی مدل علی مراقبت والدین و تعارض بین والدینی با صمیمیت رومانیک با واسطه ادراک از تعارض بین والدینی و دلبستگی اجتنابی پرداختند که نتایج آن نشان می‌دهد در شرایطی که تعارض بین والدین وجود دارد، مراقبت نامناسب پدران و مادران سبب شکل‌گیری سبک دلبستگی اجتنابی، کاهش اعتماد و کاهش صمیمیت رمانتیک در روابط بعدی می‌شود. بنابراین، به طور کلی می‌توان گفت به لحاظ اینکه افراد در کودکی به چه میزان رابطه نزدیک و ایمنی با والدین‌شان

1. Bretherton & Monholland

2. Johnson & Whiffen

داشته باشند، کیفیت متفاوتی از صمیمیت را در بزرگسالی تجربه خواهند کرد. مرور پیشینه مذکور رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با صمیمیت زناشویی را به طور جداگانه تأیید می‌کند؛ اما پژوهشی که به بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های دلبستگی به صورت همزمان در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی پرداخته باشد، یافت نشد. از سوی دیگر، صمیمیت زناشویی، از متغیرهایی است که با وجود اهمیت بسیار در استحکام خانواده و روابط زناشویی در ابتدای مراحل پژوهشی خود قرار دارد و همچنان سؤالات سبب‌شناسی مرتبط با آن بدون پاسخ است. بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع صمیمیت در روابط زناشویی و نقش مهم سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی در روابط بزرگسالی، پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش است که سبک‌های دلبستگی و سبک‌های فرزندپروری ادراک شده چه سهمی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی دارند؟

۱. روش

پژوهش حاضر جزء تحقیقات مقطعی - توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش سبک‌های فرزندپروری ادراک شده (بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی، گوش به زنگی و بازداري و محدودیت‌های مختل) و سبک‌های دلبستگی (ایمن، اجتنابی، دوسوگرا/اضطرابی) به عنوان متغیر پیش‌بین و صمیمیت زناشویی به عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. جامعه آماری پژوهش، زنان طلبه متأهل حوزه علمیه قم در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ بودند که از میان آنها ۲۸۸ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و از آنها خواسته شد تا به ابزارهای پژوهش پاسخ دهند. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

۱-۱. پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی اولیاء^۱

به منظور اندازه‌گیری میزان صمیمیت زناشویی شرکت‌کنندگان از پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی اولیاء (۱۳۸۵) استفاده شد. این پرسش‌نامه مشتمل بر ۸۵ سؤال و مقیاس آن طیف لیکرت است و در ۹ بُعد صمیمیت زناشویی را می‌سنجد. نمره فرد در این آزمون از طریق جمع نمرات گزینه‌ها به

1. Marital Intimacy Scale

دست می‌آید. به منظور بررسی روایی هم‌زمان پرسش‌نامه صمیمیت زناشویی، از مقیاس صمیمیت تامپسون و واکر^۱ (۱۹۸۳) استفاده شد. نتایج نشان داد که همبستگی بین آزمون صمیمیت زناشویی و مقیاس تامپسون و واکر ۰/۹۲ بوده است که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. برای تعیین پایایی آن نیز از آلفای کرونباخ استفاده شد که آلفای کرونباخ کل آزمون ۰/۹۸ محاسبه شده است (اولیاء و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۱۱۹). بنابراین، پرسش‌نامه از پایایی مناسب برخوردار است.

۱-۲. پرسش‌نامه سبک‌های دلبستگی کولینز و رید^۲

این پرسش‌نامه شامل خودارزیابی از شیوه شکل‌دهی روابط دلبستگی نسبت به چهره‌های مهم و نزدیک است. این مقیاس مشتمل بر ۱۸ ماده است که با طیف ۵ درجه‌ای (لیکرت) در هر گویه سنجیده می‌شود. کولینز و رید (۱۹۹۰، ص ۶۴۴) بر پایه توصیف‌هایی که در پرسش‌نامه دلبستگی بزرگسال‌هازان و شیور در مورد سه سبک اصلی دلبستگی وجود داشت، مواد پرسش‌نامه خود را در سه زیرمقیاس وابستگی^۳ (D)، نزدیک بودن^۴ (C) و اضطراب^۵ (A) تدارک دیده‌اند. بر این اساس، زیرمقیاس اضطراب (A) با دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا مطابقت دارد و زیرمقیاس نزدیک بودن (C) در تطابق با دلبستگی ایمن است و زیرمقیاس وابستگی (D) را می‌توان تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی قرار داد. کولینز و رید (۱۹۹۰) برای بررسی قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسالان، میزان آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس A، ۰/۸۵، زیرمقیاس C، ۰/۸۱ و زیرمقیاس D، ۰/۷۸ گزارش کردند. ضریب اعتبار با آزمایی این پرسش‌نامه در نمونه ایرانی در دو نوبت با فاصله چهار هفته ۰/۸۹ محاسبه شد. همچنین نتایج بررسی داوری‌های متخصصان، همگونی و مناسبت محتوای آزمون با حیطه مورد سنجش آن را تأیید کرده است (پاکدامن، ۱۳۸۰).

1. Thompson & Walker
2. revised Adult Attachment Scale (Collins&Read,1990)
3. Dependence
4. Closeness
5. Anxiety

۳-۱. پرسش نامه سبک های فرزندپروری ادراک شده یانگ^۱

یانگ (۱۹۹۴) پرسش نامه سبک های فرزندپروری را که یک ابزار خودتوصیفی با ۷۲ گویه است، برای شناسایی ریشه های دوران کودکی طرحواره های ناسازگار اولیه طراحی کرده است. در این پرسش نامه پاسخ دهندگان، پدر و مادر خود را به طور جداگانه، براساس نوع رفتاری که در کودکی با وی داشته اند، در یک مقیاس شش درجه ای رتبه بندی می کنند. خصیصه های روان سنجی اولیه پس از تحلیل عاملی، آلفای کرونباخ آن را در دامنه ۰/۹۱ تا ۰/۷ نشان داد. همچنین نتایج بازآزمایی بیانگر اعتبار بالا بود و اعتبار سازه در حد قابل قبولی گزارش شد (یانگ و براون، ۱۹۹۴، ص ۶۳). در تحقیقی در ایران بر روی ۶۰ دانشجوی ایرانی اجرا و با استفاده از روش دو نیمه سازی، برای فرم پدر ضریب اعتبار ۰/۸۰ و برای فرم مادر ضریب اعتبار ۰/۶۹ را گزارش کرده اند (صلواتی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۳۵).

۲. اجرای پژوهش

برای اجرای پژوهش با مراجعه به هر یک از مراکز علمی حوزه علمیه قم، به صورت داوطلبانه تعداد مورد نظر انتخاب و افراد انتخابی با رعایت اصول علمی و ارائه توضیحات لازم، به تکمیل دفترچه حاوی سه پرسش نامه اقدام نمودند. محاسبات آماری لازم به منظور تجزیه و تحلیل داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی و با استفاده از نسخه بیست و سوم نرم افزار بسته آماری علوم اجتماعی (SPSS ۲۳) انجام شد. در سطح توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح استنباطی از ضریب همبستگی و آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شد.

۳. یافته ها

نمونه مورد مطالعه شامل ۲۸۸ نفر آزمودنی بود که میانگین سنی آنها ۳۲/۶۸ با انحراف معیار ۶/۰۶ به دست آمد. به صورت میانگین از زمان ازدواج این افراد ۱۰/۹۶ سال گذشته بود و میانگین تعداد فرزندان آنان ۱/۹۷ محاسبه شد. از نظر تحصیلات، ۱۹ نفر (۶/۶ درصد) از شرکت کنندگان در سطح یک حوزه، ۱۶۵ نفر (۵۷/۳ درصد) در سطح دو حوزه، ۱۰۰ نفر (۳۴/۷ درصد) در سطح سه

1. Young Parenting Inventory

حوزه ۴ و ۴ نفر (۱/۴ درصد) در سطح چهار حوزه علمیه قم مشغول به تحصیل بودند. نتایج مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. صمیمیت زناشویی	۱								
۲. سبک بریدگی و طرد	** -۰/۱۹	۱							
۳. سبک عملکرد مختل	** -۰/۱۸	** -۰/۳۱	۱						
۴. سبک دیگر جهت مندی	-۰/۰۱	** -۰/۳۴	** -۰/۵۵	۱					
۵. سبک بازداری	** -۰/۱۹	** -۰/۳۷	** -۰/۶۴	** -۰/۶۶	۱				
۶. سبک محدودیت‌های مختل	** -۰/۳۱	** -۰/۴۶	** -۰/۳۲	** -۰/۵۲	** -۰/۵۱	۱			
۷. سبک دلبستگی ایمن	** -۰/۲۳	** -۰/۳۲	-۰/۰۲	* -۰/۱۳	-۰/۰۶	** -۰/۳۱	۱		
۸. سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۰۱	۰/۰۵	* -۰/۱۵	* -۰/۲۲	* -۰/۱۲	** -۰/۲۲	** -۰/۱۸	۱	
۹. سبک دلبستگی اضطرابی	** -۰/۲۹	* -۰/۱۹	-۰/۰۱	-۰/۱۰	-۰/۰۸	۰/۰۸	** -۰/۳۹	-۰/۰۶	۱
M	۲۸۶/۱۳	۲۶/۱۸	۳۷/۹۰	۲۹/۶۷	۴۹/۸۹	۲۷/۲۷	۱۳/۳۶	۱۳/۶۶	۶/۹۰
SD	۳۲/۴۶	۶/۸۴	۵/۸۳	۸/۰۷	۹/۱۲	۵/۷۱	۲/۹۶	۲/۱۰	۴/۰۶

* $p < 0/01$ ** $p < 0/05$

جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بیشترین سطح بین شرکت‌کنندگان در سبک‌های فرزندپروری ادراک شده، به گوش به زنگی و بازداری بیش از حد مرتبط است. همچنین بیشترین سطح مربوط به سبک‌های دلبستگی در سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی اجتنابی با اندکی تفاوت به دست آمد. طبق ماتریس همبستگی بین سبک‌های فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل، گوش به زنگی و بازداری و سبک دلبستگی ایمن با صمیمیت زناشویی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین رابطه بین سبک‌های فرزندپروری بریدگی و طرد، محدودیت‌های مختل و سبک دلبستگی اضطرابی با صمیمیت زناشویی منفی و معنادار است. به منظور تعیین سهم هر یک از خرده مقیاس‌های سبک‌های دلبستگی و سبک‌های فرزندپروری در پیش‌بینی صمیمیت

زناشویی، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شد که نتایج آن در جداول زیر ارائه شده است. قابل توجه آنکه خرده مقیاس‌های سبک فرزندپروری دیگر جهت‌مندی و سبک دلبستگی اجتنابی به دلیل معنادار نبودن رابطه همبستگی آنها با صمیمیت زناشویی وارد تحلیل رگرسیون نشده است.

جدول شماره ۲: نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام مربوط به صمیمیت زناشویی از طریق سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی

شاخص مدل	مجموع مجذورات	Df	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	R	R^2	ضریب تبیین	خطای برآورد
۱ رگرسیون	۳۰۷۴۵/۶۶۴	۱	۳۰۷۴۵/۶۶۴	۳۲/۳۵۴	۰/۰۰۰۱	۰/۳۱۹	۰/۱۰۲	۰/۰۹۸	۳۰/۸۲۶
باقیمانده	۷۹۳۹/۸۲۰	۲۸۶	۹۵۰/۲۸۷						
۲ رگرسیون	۸۲۶۶۵/۸۹۰	۲	۴۱۳۳۲/۹۴۵	۵۳/۵۷۹	۰/۰۰۰۱	۰/۵۲۳	۰/۲۷۳	۰/۲۶۸	۲۷/۷۷۴
باقیمانده	۲۱۹۸۶۱/۸۲۹	۲۸۵	۷۷۱/۴۴۵						
۳ رگرسیون	۹۶۱۶۱/۱۲۰	۳	۳۲۰۵۳/۷۰۷	۴۴/۱۱۲	۰/۰۰۰۱	۰/۵۶۴	۰/۳۱۸	۰/۳۱۱	۲۶/۹۵۶
باقیمانده	۲۰۶۳۶۶/۵۹۹	۲۸۴	۷۲۶/۶۴۳						

نتایج جدول شماره ۲ نشان داد که سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل اولین رابطه را با صمیمیت زناشویی دارد. ($R = ۰/۳۱$, $P = ۰/۰۰۰۱$, $df = ۱$, $F = ۳۲/۳۵۴$) این متغیر در مرحله اول و به تنهایی ۱۰ درصد از میزان صمیمیت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله بعد با اضافه شدن سبک فرزندپروری گوش به زنگی و بازداری، ضریب همبستگی به ۰/۵۲ و ضریب تبیین به ۲۶ درصد ارتقا یافت. در گام سوم و با اضافه شدن سبک دلبستگی اضطرابی نیز ضریب همبستگی ۰/۵۶ و ضریب تبیین ۳۱ درصد به دست آمد. این به آن معنا است که سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل، سبک فرزندپروری گوش به زنگی و بازداری و سبک دلبستگی اضطرابی، در مجموع ۳۱ درصد از واریانس صمیمیت زناشویی را تبیین می‌کنند.

جدول شماره ۳: شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به صمیمیت زناشویی

شاخص متغیر	ضریب غیر استاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۳۱۷/۴۱۴	۵/۷۹۱		۵۴/۸۰۹	۰/۰۰۰
محدودیت‌های مختل	-۱/۸۱۰	۰/۳۱۸	-۰/۳۱۹	-۵/۶۸۸	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۲۵۶/۰۶۸	۹/۱۱۸		۲۸/۰۸۳	۰/۰۰۰
محدودیت‌های مختل	-۳/۲۱۵	۰/۳۳۴	-۰/۵۶۶	-۹/۶۲۶	۰/۰۰۰
گوش به زنگی و بازداری	۱/۷۱۶	۰/۲۰۹	۰/۴۸۲	۸/۲۰۴	۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۲۷۰/۸۳۵	۹/۴۹۰		۲۸/۵۳۹	۰/۰۰۰
محدودیت‌های مختل	-۲/۹۹۹	۰/۳۲۸	-۰/۵۲۸	-۹/۱۴۲	۰/۰۰۰
گوش به زنگی و بازداری	۱/۵۸۲	۰/۲۰۵	۰/۴۴۵	۷/۷۰۳	۰/۰۰۰
سبک دلبستگی اضطرابی	-۱/۷۱۳	۰/۳۹۸	-۰/۲۱۴	-۴/۳۱۰	۰/۰۰۰

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده بیانگر آن است که سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل ($P < ۰/۰۰۰۱$, $B = -۰/۵۲۸$) و سبک دلبستگی اضطرابی ($P < ۰/۰۰۰۱$, $B = -۰/۲۱۴$) به صورت منفی و سبک فرزندپروری گوش به زنگی و بازداری ($P < ۰/۰۰۰۱$, $B = ۰/۴۴۵$) به صورت مثبت صمیمیت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. بر اساس ضریب بتا، به ازای یک واحد افزایش در سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل میزان صمیمیت زناشویی $-۰/۵۲$ واحد و به ازای یک واحد افزایش در سبک دلبستگی اضطرابی میزان صمیمیت زناشویی $-۰/۲۱$ واحد کاهش می‌یابد. همچنین به ازای یک واحد افزایش در سبک فرزندپروری گوش به زنگی و بازداری میزان صمیمیت زناشویی $۰/۴۴$ واحد افزایش یافت. بنابراین، با توجه به این یافته‌ها از میان سه متغیر پیش‌بین معنادار، سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل با قدرت بیشتری می‌تواند صمیمیت زناشویی را پیش‌بینی کند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی نقش سبک‌های فرزندپروری ادراک شده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی بود. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه بین سبک فرزندپروری بریدگی و طرد و سبک فرزندپروری محدودیت‌های مختل با صمیمیت زناشویی، منفی و معنادار است. این یافته با نتایج تحقیقات بیرامی و اسمعیلی کورانه (۱۳۹۱، ص ۷۱)، شیورو همکاران (۲۰۰۵، ص ۳۴۳)، خجسته مهر و همکاران (۱۳۹۳، ص ۴۳) و مطالعه کولینز و فینی (۲۰۰۴، ص ۱۶۳) همسو است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت: افرادی که ادراکشان از سبک فرزندپروری والدینشان در حوزه بریدگی و طرد قرار دارد، نمی‌توانند دلبستگی‌های ایمن و رضایت‌بخشی با دیگران برقرار کنند. چنین افرادی معتقدند که نیاز آنها به ثبات، امنیت، محبت، عشق و تعلق خاطر برآورده نخواهد شد. بسیاری از آنها دوران کودکی تکان‌دهنده‌ای داشته‌اند و در بزرگسالی تمایل دارند به گونه‌ای نسنجیده و شتاب‌زده از یک رابطه خود آسیب‌رسان به رابطه‌ای دیگر پناه ببرند یا از برقراری روابط صمیمی بین‌فردی اجتناب کنند (یانگ و براون، ۲۰۰۳؛ به نقل از بیرامی و اسمعیلی کورانه، ۱۳۹۱، ص ۸۲). والدین این افراد معمولاً بی‌ثبات، بدرفتار، سرد و بی‌عاطفه بوده‌اند و ادراک این وضعیت سبب شکل‌گیری قواعدی نانوشته، باید‌ها و نبایدهای همسران در روابط می‌شود. عمل بر طبق این موارد می‌تواند میزان صمیمیت زناشویی را تغییر دهد.

بر همین اساس و طبق نظر یانگ (۱۹۹۹)، محدودیت‌های مختل به معنای نقص در محدودیت‌های درونی، احساس مسئولیت در برابر دیگران یا جهت‌گیری نسبت به اهداف بلندمدت زندگی است که یکی از آن‌ها استحقاق و بزرگ‌منشی است؛ فردی که این نوع سبک تربیتی داشته، معتقد است نسبت به دیگران بالاتر بوده، حقوق ویژه‌ای برای خود قائل است. یانگ و گلووسکی (۱۹۹۷، ص ۳۵۶)، چنین نتیجه‌گیری کردند که این افراد درک نمی‌کنند که چرا دیگران (از جمله همسر) از دست آنها ناراحتند و مسئولیتی در برابر این مسئله قبول نمی‌کنند. علاوه بر این، آنها نسبت به احساسات شریکشان کمتر نگران می‌شوند. آن‌ها نمی‌توانند هیجان‌ها و تکانه‌های خود را به شیوه‌ای مناسب تحمل کنند. این موقعیت باعث مشکلاتی در زندگی آنها و در به تأخیر انداختن رضایت‌آنی برای دستیابی به اهداف بلندمدت می‌شود. بنابراین، ممکن است آنها به دلیل این مسائل توانایی تجربه صمیمیت را از دست دهند (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷) و از صمیمیت زناشویی کمی برخوردار باشند.

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین سبک‌های فرزندپروری ادراک شده خودگردانی و عملکرد مختل، گوش به زنگی و بازداري با صمیمیت زناشویی، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد، که این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های ذوالفقاری و همکاران (۱۳۸۷، ص ۲۵۷)، اندوز و حمیدپور (۱۳۸۴)، بیرامی و اسمعیلی کورانه (۱۳۹۱، ص ۷۱) همسو و هماهنگ نیست.

بر اساس نتایج تحقیقات پیشین، افراد دارای سبک فرزندپروری خودگردانی و عملکرد مختل دارای سبک تربیتی بوده‌اند که در توانایی آنها برای تفکیک خود از نماد والدین و دستیابی به عملکرد مستقلانه در روابط بین فردی مانع ایجاد می‌کند و این می‌تواند زمینه مشکلات در روابط صمیمی در بزرگسالی را فراهم کند. این افراد ممکن است به خاطر حفظ هویت شخصی خود، همسری انتخاب کنند که بیش از حد حامی وی بوده و مانند یک بچه از او مراقبت کند و بر این اساس، ادراک از خود، یعنی وابستگی آنها تقویت شود. عده‌ای دیگر از این افراد نیز با مستقل نمایی سعی در جبران افراطی دارند که چه بسا دوری شان از صمیمیت نیز در راستای این مکانیسم باشد. همچنین بر اساس دیدگاه یانگ، حوزه گوش به زنگی و بازداري که به طور معمول در خانواده‌هایی به وجود می‌آید که در آنها عصبانیت، توقع و گاهی تنبیه دیده می‌شود و بر عملکرد عالی، بی‌نقص‌گرایی، وظیفه‌شناسی، پیروی از قوانین، پنهان‌سازی هیجان‌ها، اجتناب از اشتباه تأکید می‌شود، این وضعیت ادراک شده از دوران کودکی ممکن است احساسات و تکانه‌های خودانگیخته را واپس‌زنی کند و این افراد در بزرگسالی طبق قواعد انعطاف‌ناپذیر و درونی شده خود عمل کنند. بنابراین، زندگی روابط بین فردی آنان خالی از لذت و صمیمیت بوده و در عوض، نسبت به حوادث منفی زندگی گوش به زنگ خواهند بود.

در تبیین این یافته و همبستگی مثبت این دو حوزه از سبک‌های فرزندپروری با صمیمیت زناشویی در مرحله اول می‌توان گفت که با دقت در تفسیر یانگ از این نوع سبک فرزندپروری به نظر می‌رسد که ویژگی ادراک شده مرتبط با آنها احتمال دارد برای افراد زمینه‌ای را فراهم کند تا آنان به منظور کاهش تعارض مخرب و غیر پرخاشگرانه، از اظهارات اجتنابی منفی، عاطفه مثبت و تسلیم شدن در برابر خواسته‌های همسر خود استفاده کنند و این رفتارها ممکن است به صورت ظاهری و غیر واقعی نشانه‌ای از صمیمیت زناشویی تعبیر شود و از این رو، ارتباط مثبت بین این متغیرها را توجیه‌پذیر کند. از نکات دیگر قابل توجه در ارتباط با مغایرت نتیجه این پژوهش با مطالعات گذشته در زمینه روابط سبک‌های فرزندپروری خودگردانی و گوش به زنگی با صمیمیت زناشویی

به مفهوم آن مربوط می‌شود. از این نظر که در کشور ما به دلیل ویژگی‌های فرهنگی، افشاگری نسبت به روابط صمیمانه، مسئله‌ای مرسوم و پذیرفته شده نیست. بنابراین، برداشت‌های افراد نسبت به واژه صمیمیت زناشویی متفاوت می‌شود و احتمال دارد در پژوهش حاضر، سنجش گویا و یک دستی از متغیر صمیمیت صورت نگرفته باشد. این نشان دهنده وجود اشکال در پاسخ‌دهی به ماده‌های این مقیاس‌ها در نمونه کلی یا در برخی از زیرگروه‌های پژوهش حاضر است.

همچنین با توجه به اینکه از یک سو، شرکت‌کنندگان این پژوهش معمولاً از خانواده‌هایی بوده‌اند که از نظر جهت‌گیری مذهبی و تقید به آداب و رسوم سنتی از سطح بالاتری نسبت به عموم برخوردارند و از سوی دیگر، در مقایسه با سبک‌های تربیتی و پنج حوزه مربوط به آن در نظریه یانگ، هنوز تمایز روشنی بین سبک‌های فرزندپروری و استفاده از الگوهای تربیتی متعدد در خانواده‌های ایرانی وجود ندارد؛ بنابراین، شاید بتوان گفت این تفاوت به خاطر تأکید بر حفظ شأن و جایگاه والدین در این خانواده‌ها و درست پنداشتن سبک‌های فرزندپروری آنان بوده باشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش مشخص شد که رابطه سبک دلبستگی اضطرابی با صمیمیت زناشویی منفی و معنادار است و در پیش‌بینی آن سهم مؤثری دارد. این به آن معنا است که افراد با سبک دلبستگی اضطرابی بالا احتمالاً نمره کمتری در صمیمیت زناشویی دارند. با وجود آنکه افراد با سبک دلبستگی دوسوگرا/ اضطرابی نیاز بالایی به صمیمیت دارند؛ اما در واقع این افراد از ترس کنار گذاشته شدن از سوی همسر یا سایر افراد مهم زندگی‌شان، توانایی کمی برای صمیمی شدن دارند (جبری و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۴۵). همسو با نتایج این پژوهش، پژوهشگرانی از جمله فینی و نولر (۱۹۹۱، ص ۱۸۷)، عارفی (۱۳۹۱، ص ۱۱۷) و جبری و همکاران (۱۳۹۳، ص ۲۵) نشان داده‌اند که بزرگسالان با سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی از روابط صمیمانه اجتناب می‌کنند. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش‌های برترتن و مان هلند (۱۹۹۹، ص ۸۹)، بشارت و فیروزی (۱۳۸۵، ص ۵)، حیدری و اقبال (۱۳۹۰، ص ۱۱۵)، جبری و همکاران (۱۳۹۳) و شیور و همکاران (۲۰۰۵، ص ۳۴۳) هماهنگ است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که سبک‌های دلبستگی بزرگسالی در رشد دادن و حفظ پیوستگی بین فردی نقش مهمی برعهده دارد و با فرایندهای روانی وابسته به روابط صمیمانه و نیز رفتارهای مشاهده شده در این روابط و برون دادهای روابط صمیمانه که هم ذهنی (مثل رضایت) و هم عینی (مثل جدایی) است، قابل پیش‌بینی است. در بین سه سبک معرفی شده برای

دلبستگی، افراد دارای سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا به دلیل احساس اضطراب و طردشدگی که دارند، همچنین به دلیل چسبندگی شدید و احساس خطر دائمی از بی وفایی همسر، بیش از حد برای همسر خود ایجاد مزاحمت روان شناختی کرده و با کنترل دائمی او، آزادی‌ها، استقلال و خودمختاری طرف مقابل را سلب می‌کنند و در نتیجه، سطح صمیمیت زناشویی در این نوع دلبستگی کاهش می‌یابد (خجسته مهر و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۵۱). از سوی دیگر، افرادی که سطوح بالایی از دلبستگی اجتنابی دارند، اهمیت روابط صمیمی و نیاز به نزدیکی را انکار می‌کنند. در نتیجه، سیستم دلبستگی در این افراد غیر فعال می‌شود و در روابطشان به دنبال حمایت از همسر نیستند (کانس و شیور، ۱۹۹۴، ص ۲۰۵). بنابراین، زن یا شوهری که در مقایسه با همسر خود سبک دلبستگی اجتنابی بالاتری داشته باشد، ممکن است نیازهای همسر را رد کند یا با خشم به آنها پاسخ دهد و هنگامی که خود نیز دچار درماندگی شود، از همسر فاصله گیرد (سیمپسون و همکاران، ۱۹۹۲، ص ۴۳۴) و سبب کاهش صمیمیت زناشویی شود.

به طور کلی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند اطلاعات مناسبی را به مشاورانی که مراجعانی با مشکلات مربوط به صمیمیت دارند، ارائه دهد. همچنین به کسانی که مشاوره قبل از ازدواج انجام می‌دهند، برای پیش‌بینی مؤلفه‌های خاص صمیمیت در زندگی آینده کمک می‌کند و نیز می‌تواند راهنمای خوبی برای والدین بوده تا با دقت نظر در سبک دلبستگی و سبک فرزندپروری خود، آینده خوشایندی برای فرزندان خود و در نهایت، جامعه رقم بزنند. آنچه مسلم است در فهم مشکلات خانوادگی و ارزیابی و حل آنها، توجه به بافت فرهنگی-اجتماعی که فرایند درمانی در آن صورت می‌گیرد، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ به این گونه که بی توجهی به آن می‌تواند درمانگران را از نیل به اهداف نهایی خود بازدارد. از آنجا که فرهنگ اسلامی و رهنمودهای اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی آن سال‌هاست که در خانواده‌های ایرانی ریشه دار است؛ بنابراین، توجه به آموزه‌های این دین آسمانی در افزایش صمیمیت زناشویی و تهیه برنامه‌ای آموزشی در این باره، لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

۱. اکبری گوابری، بهمن؛ آزاده، فرگت؛ ساناز، علی خواه و میلناز، مجیدی (۱۳۹۸)، «نقش سرمایه اجتماعی و روان شناختی در پیش بینی صمیمیت زناشویی زوجین»، پژوهش های روان شناسی اجتماعی، دوره ۹، ش ۳۳، ص ۹۵-۱۱۴.
۲. امیری مجد، مجتبی و شبکم، کاکاوند (۱۳۹۷)، «رابطه آزاردیدگی و خشونت دوران کودکی با صمیمیت زناشویی در زوجین ناسازگار»، فصلنامه مددکاری اجتماعی، دوره ۷، ش ۱، ص ۳۶-۲۹.
۳. اندوز، زهرا و حسن، حمیدپور (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه طرح واره ناسازگار با سبک دلبستگی و سازگاری زناشویی»، مقاله ارائه شده در دومین کنگره آسیب شناسی خانواده در ایران، دانشگاه شهید بهشتی.
۴. اولیاء، نرگس؛ مریم، فاتحی زاده و فاطمه، بهرامی (۱۳۸۵)، «تأثیر آموزش غنی سازی زندگی زناشویی بر افزایش صمیمیت زوجین»، فصلنامه خانواده پژوهی، دوره ۲، ش ۶، ص ۱۱۹-۱۳۴.
۵. بختیاری، انسیه؛ سعیده السادات، حسینی؛ مختار، عارفی و کریم، افشاری نیا (۱۳۹۸)، «مدل علی روابط فرا زناشویی بر اساس سبک های دلبستگی و طرح واره های ناسازگار اولیه: نقش واسطه های صمیمیت زناشویی و سبک های عشق ورزی»، آموزش بهداشت و ارتقای سلامت، دوره ۷، ش ۲، ص ۲۴۵-۲۵۸.
۶. بشارت، محمدعلی و منیژه، فیروزی (۱۳۸۵)، «سبک های دلبستگی و ترس از صمیمیت»، مجله علوم روان شناختی، ش ۱۷، ص ۱۵-۵.
۷. بشارت، محمدعلی (۱۳۹۱)، «رابطه ترس از صمیمیت و رضایت زناشویی در نمونه ای از زوجین ایرانی: نقش تعدیل کننده سبک های دلبستگی»، دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دوره ۲، ش ۱، ص ۱۸-۱.
۸. بیرامی، منصور و احمد، اسمعیل کورانه (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه بین ریشه های تحولی (شیوه های فرزندپروری) و طرح واره های ناسازگار اولیه در حوزه بریدگی-طرد، خودگردانی و عملکرد مختل در مدل طرح واره یانگ»، فصلنامه پژوهش های نوین روان شناختی، سال هفتم، ش ۲۸، ص ۸۸-۷۱.
۹. پولادی، اسماعیل؛ اسماعیل، جهانبخش و اصغر، محمدی (۱۳۹۷)، «پیش بینی صمیمیت زوجین از طریق الگوهای تربیت خانوادگی (سبک های فرزندپروری، جهت گیری مذهبی، الگوهای انسانی و رسانه ای تربیت خانوادگی)»، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، دوره ۵، ش ۲، ص ۹۷-۱۱.
۱۰. جابری، سمیه؛ عذرا، اعتمادی؛ رضوان السادات، جزایری و سیداحمد، احمدی (۱۳۹۳)، «تعیین عوامل پیش بینی کننده صمیمیت زناشویی زنان شهر اصفهان»، مطالعات زن و خانواده، دوره ۲، ش ۱، ص ۵۲-۲۵.
۱۱. جابری، سمیه؛ عذرا، اعتمادی و سیداحمد، احمدی (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه مهارت های ارتباطی با صمیمیت زناشویی»، پژوهش های علوم شناختی و رفتاری، سال پنجم، ش ۲، ص ۱۵۲-۱۴۳.
۱۲. حسینی، فریده سادات؛ مریم، محمدی و مهناز، جوکار (۱۳۹۴)، «بررسی صمیمیت زناشویی در دوارن میانسالی، نقش ویژگی های شخصیتی زوجین»، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، سال نهم، ش ۳۰، ص ۵۲-۲۷.
۱۳. حسینی حسین آباد، سیده فاطمه؛ باقر، غباری بناب؛ مریم، مشایخ؛ نورعلی، فرخی و شیدا، سوداگر (۱۳۹۸)، «پیش بینی سازگاری زناشویی بر اساس سبک های دلبستگی همسران جانباز»، فصلنامه روان شناسی نظامی، دوره ۱۰، ش ۳۸، ص ۲۸-۱۵.

۱۴. حسینی، سیدمحمد؛ محمدعلی، نظری؛ محسن، رسولی؛ محمد، شاکرمی و سیدمحسن، حسینی (۱۳۹۳)، «رابطه سلامت خانواده اصلی با صمیمیت زناشویی: بررسی نقش واسطه‌ای سبک‌های حل تعارض سازنده و غیر سازنده»، *فصلنامه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، دوره ۸، ش ۳۲، ص ۷۶-۶۷.
۱۵. حسینی، مونس؛ آرمین، محمودی و علیرضا، ماردپور (۱۳۹۸)، «بررسی ارتباط سرمایه‌های روان‌شناختی با صمیمیت زناشویی دانشجویان متأهل و نقش واسطه‌ای بهزیستی اجتماعی»، *نشریه /رمغان دانش*، سال بیست و چهارم، ش ۳، ص ۴۰۰-۳۸۸.
۱۶. حیدری، علیرضا و فرشته، اقبال (۱۳۹۰)، «رابطه دشواری در تنظیم هیجانی، سبک‌های دلبستگی و صمیمیت با رضایت زناشویی در زوجین صنایع فولاد شهر اهواز»، *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، دوره ۵، ش ۱۵، ص ۱۳۴-۱۱۵.
۱۷. خجسته‌مهر، رضا؛ منیژه، احمدی می‌لاسی و منصور، سودانی (۱۳۹۳)، «نقش تعدیل‌کننده تعهد دینی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و صمیمیت زناشویی»، *فصلنامه روان‌شناسی معاصر*، دوره ۹، ش ۱، ص ۵۴-۴۳.
۱۸. ذوالفقاری، مریم؛ فاتحی‌زاده، مریم‌السادات و محمدرضا، عابدی (۱۳۸۷)، «تعیین رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی»، *مجله خانواده‌پژوهی*، دوره ۴، ش ۱۵، ص ۲۶۱-۲۴۷.
۱۹. صالحی، مهرداد؛ هاجر، نصوحیان و نگار، رئیسی (۱۳۹۵)، «مقایسه سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری ادراک‌شده در بیماران مبتلا به اختلال ملال جنسی و افراد سالم در شهر اصفهان»، *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، دوره ۱۴، ش ۲، ص ۱۹۴-۱۸۹.
۲۰. صلواتی، مزگان و رخساره، یکه‌یزدان دوست (۱۳۸۹)، *طرح‌واره درمانی راهنمای ویژه متخصصان روان‌شناسی بالینی*، ویرایش حسین کاویانی، تهران: دانژه.
۲۱. طیارپور، معصومه؛ سمیه، هاشمی‌زاده و جواد، تقوی سوره برق (۱۳۹۸)، «تبیین صمیمیت زناشویی براساس سبک‌های مقابله‌ای و سرسختی روان‌شناختی در زنان مبتلا به طلاق عاطفی»، *فصلنامه رویش روان‌شناسی*، سال هفتم، ش ۹، ص ۱۶-۱.
۲۲. عارفی، مختار؛ شکوه، نوابی‌نژاد؛ عبدالله، شفیع‌آبادی و علیرضا، کیامنش (۱۳۹۱)، «سبک‌های دلبستگی، جنسیت، رضایت زناشویی»، *پژوهشنامه تربیتی*، دوره ۷، ش ۳۱، ص ۱۳۲-۱۱۷.
۲۳. عارفی، مختار (۱۳۸۳)، «رابطه سبک‌های دلبستگی و کیفیت دوستی نوجوانان کرمانشاهی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۲۴. عالیپور بیرگانی، سیروس؛ سیمین، زغبی قناد و الهام، جولاییان (۱۳۹۵)، «بررسی مدل علی مراقبت والدین و تعارض بین والدینی با صمیمیت رومانتیک با واسطه ادراک از تعارض بین والدینی و دلبستگی اجتنابی»، *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*، دوره ۵، ش ۲، ص ۷۸-۵۷.
۲۵. فرهمند، بتول؛ محمدحسین، فلاح یخدانی و سعید، وزیری یزدی (۱۳۹۸)، «بررسی تأثیر آموزش صمیمیت غنی‌شده با آموزه‌های اسلامی بر رضایتمندی و صمیمیت زوجین درون‌گرای شهر یزد»، *فصلنامه پژوهش در دین و سلامت*، دوره ۵، ش ۴، ص ۶۰-۴۸.
۲۶. کیانی، فریبا؛ طویه، رحیمی پردنجانی و علی، محمدزاده ابراهیمی (۱۳۹۸)، «اثربخشی آموزش عفو مبتنی بر دیدگاه اسلامی (قرآن و احادیث) بر افزایش صمیمیت زوجین و ابعاد آن: تلویحاتی برای درمان»، *مجله اخلاق پزشکی*، دوره ۱۳، ش ۴۴، ص ۱۵-۱.
۲۷. مدنی، یاسر و زهرا، مرادی (۱۳۹۷)، «دیدگاه مشاوران و روان‌درمانگران درباره نقش دینداری در رضایت جنسی

- و صمیمیت زناشویی مراجعین: یک پژوهش کیفی»، پژوهش‌های مشاوره، دوره ۱۷، ش ۶۶، ص ۱۷۶-۱۳۷.
۲۸. معتمدی، عبدالله؛ احمد، خاکی؛ کیومرث، فرحبخش؛ معصومه، اسماعیلی و حسین، سلیمی بجستانی (۱۳۹۷)، «ارزیابی اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر الگوی اکولوژیکی در کاهش درگیری‌های زناشویی»، مجله تحقیقات و توسعه بهداشت عمومی، دوره ۹، ش ۳، ص ۱۶۶-۱۶۲.
29. Ainsworth, M. (1989), "Attachment beyond infancy", *American sychology*, Vol 44, issue 4, p.709-716.
30. Bagarozzi, A. (2001), "Enhancing intimacy in marriage. Branner-Rouledye", Tylor & Forancis group, USA.
31. Baumrind, D. (1971), "Current patterns of parental authority", *Developmental Psychology Monograph*, Vol4, issue 1, p.1-103.
32. _____ (1991), "The influence of parenting style on adolescent competence and substance use", *Journal of Early Adolescence*, Vol 11, issue 1, p.56-95.
33. Bretherton I. & K.A., Munholland (1999), "Internal working models in attachment relationships: A construct revisited", In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds.), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications*, The Guilford Press, p.89-111.
34. Conger, R.D.; M. Cui; C.M Bryant, & G. H. Elder, (2000), "Competence in early adult romantic relationships: A developmental perspective on family influences", *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol 79, issue 2, p.224-237.
35. Collins, N.L. & S.J. Read (1990), "Adult attachment, working models, relationship quality in dating couples", *Journal of Personality and So Psychology*, Vol 58, issue 4, p.644-663.
36. Collins, N. & B. Feeney (2004), "An attachment theory perspective on closeness and intimacy", In D. Mashek & A. Aron (Eds.), *Handbook of closeness and intimacy*, Lawrence Erlbaum Associates Publishers, p.163-187.
37. Cordova, J.V. & L.Z. Warren (2005), "Emotional Skillfulness In Marriage: Intimacy As A Mediator of The Relationship Between Emotional Skillfulness And Marital Satisfaction", *Journal Of Social and clinical Psychology*, Vol 24, No 2, p.218-235.
38. Feeney, J.A. & P. Noller (1991), "Attachment style and verbal descriptions of romantic partners", *Journal of Social and Personal Relationships*, Vol 8, issue 2, p.187-215.
39. Hatfield, E. (1988), *Passionate and Companionate Love in the Psychology of Love*, Yale University Press, New Haven.
40. Hardy, D.F.; T.G. Power & S. Jaedicke (1993), "Examining the relation of parenting to children's coping with every day stress", *Child Development*, Vol 64, Issue 6, p.18-48.
41. Hazan. C. & P. Shaver (1987), "Romantic love conceptualized as an attachment process", *Journal of personality and social psychology*, Vol 52, issue 3, p.511-524.
42. Hinnen, C.; R. Sanderman & M.A.G. Sprangers (2009), "Adult attachment as mediator between recollections of childhood and satisfaction With Life", *Clinical Psychology and Psychotherapy*, Vol 16, Issue 1, p.10-21.
43. Johnson, Susan; Valerie E. Wiffen (2003), *Attachment processes in couple and family therapy*, New York:

Guilford Press

44. Katowitz, A. E. (2007). Family structures and adult romantic relationships. Honors Projects. Paper, 3. [Online in Internet]. URL: http://digitalcommons.macalester.edu/psychology_honors/3 [28.03.2012].
45. Sroufe, L.A.; B., Egeland; E. Carlson & W.A. Collins (2005), *Placing early attachment experiences in developmental context*, In K. E. Grossmann, K. Grossmann, & E. Waters (Eds.), *Attachment from infancy to adulthood: The major longitudinal studies* (p.48–70), New York: Guilford Publications.
46. Kunc, L.J. & P.R, Shaver (1994), "An attachment–theoretical approach to caregiving in romantic relationships", *Advances in personal relationships: Attachment processes in adulthood*, vol5, p.205–237.
47. Laurenceau, J.; L.F Barrett & M.J. Rovine (2005), "The Interpersonal Process Model of Intimacy in Marriage: A Daily–Diary and Multilevel Modeling Approach", *Journal of Family Psychology*, Vol19, issue 2, p.314–323.
48. Maccoby EE. & J.A. Martin (1983), "Socialization in the context of the family: Parent–child interaction", *Handbook of child psychology*, New York: Wiley and sons, p.97–101.
49. Patrick, S.; J.N. Sells; F.G. Giordano & T.R. Follerud (2007), "Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction", *The Family Journal*, Vol15, issue4, p.359–367.
50. Pielage, S.; F. Luteinjin & W. Arrindell (2005), "Adult attachment, intimacy and psychological distress in a clinical and community sample", *Clinical Psychology and Psychotherapy*, Vol12, Issue6, p.455–64.
51. Shaver, P.; D. Schachner & M. Mikulincer (2005), "Attachment style, excessive reassurance seeking, relationship processes, and depression", *Personality and Social Psychology Bulletin*, Vol31, issue3, p.343–359.
52. Simpson, J.A.; W.S. Rholes & J.S. Nelligan (1992), "Support seeking and support giving within couples in an anxiety–provoking situation: The role of attachment styles", *Journal of personality and Social Psychology*, Vol 62, issue 3, p.434–446.
53. Young, J.E (1999), *Cognitive Therapy for Personality Disorders: A Schema-focused Approach*, (3rd Ed.), Sarasota, FL, US: Professional Resource Press /Professional Resource Exchange.
54. ——— (1994), *Cognitive therapy for personality disorders: A schema focused approach*, Sarasota, FL: Professional Resource Press.
55. Young, J.E. & V. Gluhoski (1997), *A schema–focused perspective on satisfaction in close relationships*, In R. J. Sternberg and M. Hojjat (Eds.), *Satisfaction in close relationships*, New York: Guilford Press. p.356–381.
56. Young, J.E.; J. S. Klosko & M. E. Weishaar (2003), *Schema therapy: A practitioner's guide*, New York: The Guilford Press.
57. Young, J.E. & G. Brown (2003), *Young Schema Questionnaire–L3a*, Cognitive Therapy Center of New York: Authors.